

سوگ سیاوش

(درمگ و دستاخیز)

نوشتۀ شاهرخ مسکوب



شرکت سهامی انتشارات حواری

«در آغاز آن دو گوهر همراه در پندار و گفتار و کردار بهتر و بتر در اندیشه هویدا شدند در میان این دو، نیک‌اندیشان درست برگزیدند نه بدانندیشان.»^۱

در ازل اهورامزدا بود و اهریمن و جهان نور بود و جهان ظلمت، هر یک از دیگری جدا. آنگاه که هنوز شب نبود و روز نبود، «روزی» اهریمن از اعماق تاریک بیرون آمد و نور را دید که ریباست خواست بر آن دست یابد و چون هجوم آورد، جنگ جهانگیر نیک و بد درگیر شد نخست پیروزی با اهریمن بود و اهورامزدا برای نجات روشنی و نیکی، این جهان - گیتی - را آفرید تا در جنگ‌یار او باشد اما جهان‌بیجان بود: ستارگان بی‌فروغ و ماه و خورشید بیراه و آبها مانده و گیاهان نروئیده. و این خفته در مانده را چه یارای پیکار! آنگاه اهورامزدا دست نیایش برداشت که ای فروهر نیکان به یاری من آیید. پذیرفتند و آمدند و از برکت آنها اختران روشن و ماه و خورشید رهسپار و آبهاروان و گیاهان روینده شدند انسان حان جهان است که بی‌یارمندی او جهان مرده

بود، روشنی از یاری انسان رستگار است که اگر نبود اهریمن پیروز بود.

«ار ازل هر مرد در نور بود و اهریمن در میان تاریکی هر مزد می دانست که روری اهریمن به نبرد او می آید و برای چنین حادثه ای سلاحهائی فراهم می ساخت او جهان را به حالت «مینوک» (آسمانی، روحانی، جنینی) آفرید سه هزار سال بعد اتفاقاً اهریمن شعاع نوری دید و به وجود و آفرینش دشمن خود پی برد خواست بر آن دست یابد. آنگاه هر مرد زمان و مکان محدود را آفرید و با خواندن دعای مقدس «اهوور» (Ahuvar) به پهلوی و Yata ahu vairyo به اوستائی) فرجام مبارزه را مقدر کرد اهریمن درون آسمان رندانی شد و نتوانست به جایگاه خود به اعماق تاریکی باز گردد. چون اهریمن آگاه شد که باید تا نابودی خود بجنگد سه هزار سال مدهوش افتاد با وجود این هر مزد آفرینش خود را دنبال گرفت و آن را به حالت «گیتی» (زمینی و مادی) درآورد. اهریمن که از مدهوشی درآمد هجوم آورد «گئوش» و سی سال پس از آن نخستین انسان - کیومرث - را کشت او آفرینش را آلوده ساخت نبرد شش هزار سال دیگر ادامه یافت و در این میانه زرتشت ظهور کرد. ۲»

هست شدن آفرینش و آمدن فروهرها به گیتی - این انسان که مائیم - برای نبرد با اهریمن و شکستن اوست پیدایش گیتی و انسان هدفی دارد که باید در زمانی

مقدر به انجام رسد پس آن جنگ کیمهانی در بستر زمان جریان دارد و ار آنجاست که گاه گفته‌اند نخستین چیز که اهورا آفرید رمان بود تا از همان آغاز، انجام دانسته باشد

بدینسان جهان را تاریخی است مینوی با آغار و انجامی دانسته، باسه دوران مینوکی، آمیختگی و «یگانه سازی». عمر هر دوران سه هزار سال است. در دوران نخست نیکی و بدی جداید، تاریکی در نور نیامیخته و اهریمن به اهورامزدا هجوم نیاورده. همه بهشت ازلی است سپس تاخت و تاز اهریمن است و دوران آمیختگی نیک و بد. زردشت در همین دوران که در آغار بیشتر به کام اهریمن بود به جهان آمد سه هزاره آخرین دوران برخاستن پسران ررتشت، سوشیانسهای رستگاری بخش و دیگر جاویدانان و جدا کردن نیکی از بدی است، تا آنگاه که رستاخیز فرا می‌رسد، همه چیز نورمی‌شود و همه بهشت ابدی است

در دوران میوکی روشنی از گزند تاریکی در امان است، با خود وحدت دارد و با خویشتن تمام است و چون از تاریکی جداست عین ذات و جوهر خود است اهورمزدا، فروهرهای نیکان و همه هستی نیک هست ناشده، همه در «خرد همه آگاه» اهورمزدا و او خود همه اینهاست اهورمزدا اندیشه اندیشنده و نیکی حقیقتی است اندیشیده، یگانه‌ای است یکپارچه و ناپراکنده! این، جهان مینوکی است در دوران مینوکی. اما کل هستی دوگانه‌ای دوپارچه و دوپاره است. اهریمن نیز بادیوان و پریان در تاریکی